

## دعای ۱۶۱ - پوشش و حجاب از دشمن



بِسْمِ اللَّهِ اسْتَعْنَتْ، وَبِسْمِ اللَّهِ اسْتَجَرْتُ، وَبِهِ  
اعْتَصَمْتُ، وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ.

به نام خدا یاری جستم، و با نام خدا پناه گرفتم، و به او  
چنگ زدم، و توفیقی نیست مرا جز به خدا، بر او توکل نمودم.

اللَّهُمَّ نَجِّنِي مِنْ طَارِقٍ يَطْرُقُ فِي لَيْلٍ غَاسِقٍ أَوْ  
صُبْحٍ بَارِقٍ، وَمِنْ كَيْدِ كُلِّ مَكِيدٍ، أَوْ ضِدٍّ، أَوْ  
حَاسِدٍ حَسَدٍ.

خداوندا، مرا نجات ده از حادثه‌ای که پیش آید در شبی  
سخت تاریک، یا بامدادی درخشان، و از نیرنگ هر نیرنگ  
باز، یا مخالفی یا حسودی که حسد نماید.

زَجَرْتَهُمْ بِ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ \* اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ  
وَلَمْ يُولَدْ \* وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، وَبِالْإِسْمِ  
الْمَكْنُونِ الْمُنْفَرَجِ بَيْنَ الْكَافِ وَالنُّونِ، وَبِالْإِسْمِ  
الْغَامِضِ الْمَكْنُونِ الَّذِي تَكُونُ مِنْهُ الْكُونُ قَبْلَ  
أَنْ يَكُونَ، أَتَدْرَعُ بِهِ مِنْ كُلِّ مَا نَظَرَتِ الْعُيُونُ،



وَحَفَقَتِ الظُّنُونُ، ﴿وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا  
وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ﴾،  
وَكَفَى بِاللَّهِ وَلِيًّا وَكَفَى بِاللَّهِ نَصِيرًا.

آنها را راندم با «بگو اوست خدای یگانه؛ خدای بی نیاز» [ثابت متعالی]؛ [کسی را] نزاده و زاده نشده است؛ و هیچ کس او را همتا نیست» و با نام پنهان گشایش یافته میان کاف و نون و با نام نا آشکار پنهان شده که هستی از آن هستی یافت پیش از آن که هست گردد، به آن زره می پوشم در برابر هر چه ببیند چشم‌ها، و برگمان‌ها بگذرد «و قرار دادیم در پیشاپیش آنها سدی، و در پشت سر آنها سدی را، و آنان را پوشاندیم پس آنان نمی بینند» و کافی باشد خداوند به عنوان سرپرست و خداوند بس است به عنوان یاور.

پاورقی:

۱. در صحیفه ۲ اضافه دارد:

يَا دَائِمُ يَا دَيْمُومُ، يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ، يَا كَاشِفَ الْعَمِّ، يَا  
فَارِجَ الْهَمِّ، وَيَا بَاعِثَ الرُّسُلِ، وَيَا صَادِقَ الْوَعْدِ، صَلَّى عَلَى  
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَفَعَلَ لِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ

ای پیوسته، ای همیشگی، ای زنده، ای پایدار، ای برطرف کننده غم، ای گشاینده اندوه، و ای فرستنده پیامبران و ای صاحب وعده راستین، درود فرست بر محمد و آل محمد و با من انجام بده آنچه تو شایسته آنی.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي أَمْرٍ قَدْ ضَعُفَتْ عَنْهُ حِيلَتِي أَنْ تُعْطِيَنِي مِنْهُ مَا لَمْ تَنْتَه إِلَيْهِ رَغْبَتِي، وَلَمْ يَخْطُرْ بِبَالِي وَلَمْ يَجْرَ عَلَى لِسَانِي، وَأَنْ تُعْطِيَنِي مِنَ الْيَقِينِ مَا يَحْجُبُنِي عَنْ أَنْ أَسْأَلَ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

خداوندا از تومی خواهم در امری که از آن ناتوان شد چاره، که عطا کنی مرا از آن، آنچه را که بدان نرسد رغبتم، و به فکرم نیاید و بر زبانم جاری نشود، و اینکه عطا کنی مرا از یقین آنچه مرا باز دارد از اینکه بخواهم از کسی از جهانیان، که تو بر هر چیز توانا هستی.